شیخ محمد بن مختار الشنقیطی

# شش معیار برای موفقیت یک کار جمعی

بسم الله الحمدلله رب العالمین والصلاة والسلام علی خیر المرسلین و امام المجاهدین و علی آله و صحبه اجمعین و من تبعهم باحسان الی یوم الدین

اما بعد:

تنظیم وکار گروهی یک موهبت فردی به شمار نمی آید که فقط بر عبقریت، هوش و ذکاوت یک امیر ویا یک فرمانده خوب بستگی داشته باشد ،بلکه کار جمعی و نحوه ی اداره ی آن تبدیل به علمی گشته  که دارای اصول و قواعدی محکم می باشد و کسانی که برای احیای اسلام (از طریق کار جمعی ) تلاش میکنند نیاز به بررسی و یادگیری این علوم دارند، خدمت کردن به دین با وسایل و ابزار عقب مانده ، کوتاهی و تفریطی است که به پیروزی  ختم نمی شود، بلکه بدتر از آن تاثیر منفی آن در دید مردم نسبت به خود دین است که آنها را از بدست آوردن عدالت در سایه ی اسلام نا امید می کند درخلال آنچه که در ادامه خواهد آمد شش معیار برای موفقیت یک کار تنظیمی و گروهی را بیان می کنیم که اگاهان و مطلعان بر علوم تنظیمی و راهبردی ،آنها را قابل تعمیم و معتبر در مورد تمام جمع ها و تشکلهای گروهی ،صرف نظر از تفاصیل و خصوصیات ان گروه ها می دانند،امیدوارم که در ان عبرتی برای اندیشمندان باشد.

معیار اول: انعطاف پذیری

هر چه سطح انعطاف و قدرت مانور بالا باشد  به همان میزان نیز سبب موفقیت تنظیم می شود .سه نوع انعطاف وجود دارد که عبارتند از:

الف:انعطاف در وظایف و مسولیت ها ،که متعلق به اهداف و وظایف تنظیم است، بنحوی که تنظیم قادر باشد بعضی از اهداف مرحله ای و عملیِ موقت خود را که به اتمام رسانده ، یا به هر نحوی از اتمام ان ناتوان مانده را تغییر دهد وآنها را به اهداف و وظایف  مهمتر و یا آسانتر از نظر دستیابی در  شرایط جدید تبدیل کند و هر تنظیم و جماعتی که نتواند از بعضی از وظایف و اهداف مرحله ای [1] خود رهایی یافته و وظایف و اهداف جدیدی که همسویی و هماهنگی با امکانات و شرایط متغیر داشته باشد را به عهده بگیرد ،ان تنظیم محکوم به در جا زدن ، مرگ و عقبگرد است در ضمن رهایی از بعضی از اهداف و کارهای مرحله ای ،به معنی رهایی از مبادی ، اصول و هدف نهایی که دلیل به وجود امدن تنظیم و علت بقایش است، نمی باشد.

ب:انعطاف اجرایی، که متعلق به بنای تنظیم و اجرائات داخلی که در ارتباط با تغییر فرماندهان و تصمیم گیری ها می باشد به گونه ای که تنظیم قادر باشد به اسانی

[1] : یعنی  اهداف کوتاه مدت و موقت  را تغییر دادن که ابزار رسیدن به هدفِ غیر قابل تغییر می باشند

فرماندهان و اُمرای خود را تغییر دهد و راه صعود به فرماندهی و نزول از ان را به گونه ای نرم و منعطف باز بگذارد، البته این صعود و نزول باید بر اساس معیارهای موضوعیت دار باشد ، نه معیارهای شخصی، و این تغییرات باید به شیوه ای مورد اجرا قرار گیرد بدون اینکه در مسیر حرکت شکاف و خللی وارد شود و صف و اتحاد داخلی به هم بخورد ،قادر به اتخاذ مواقف و تصمیمات مناسب در وقت مناسب بدون درنگ و انحراف از مسیر باشد.

ج:انعطاف عملی :یعنی برخورد تنظیم با مشکلات متغیری که بر سر راه قرار دارند با روش و اسلوبی متغییر باشد بدون اینکه فقط از روشهای سابق استفاده کند ،حتی اگر تنظیم در گذشته نیاز به آن روشها را اثبات کرده باشد . امکان دارد موفقیت این روشها در گذشته به دلیل قرارگرفتن در شرایطی متفاوتِ با شرایط کنونی بوده است و گاهی خلل و کوتاهی از این باب وارد می شود و تنظیم فدای موفقیت ها و پیشرفت های سابقش می شود[۲].

[۲] : به این معنا که چون تنظیم قبلا با استفاده از روش خاصی در مواجهه با مشکلی در ان شرایط بخصوص به موفقیت رسیده سبب می شود که تنظیم در هر شرایطی سعی کند که از ان روش استفاده کند بدون توجه به این مطلب که شاید شرایط فعلی با شرایط قبلی کاملا متفاوت باشد پس به همین دلیل شکست می خورد.

## معیار دوم: هماهنگی و تماسک[3]

پس هرچه تماسک و هماهنگی در تنظیم قوی باشد ، در قرینه اش به همان میزان موفقیت و پایداری در مقابل مشکلات و ضربات ، امکانپذیرتر می شود، تماسک و هماهنگی فعال به قدر زیادی نیازمند اجماع درونی بین افراد تنظیم در مورد مسائل جوهری و اساسی جمع است که دو مورد می باشند که عبارتند از:

الف:هماهنگی و اجماع در مورد طبیعت ، ماهیت و رسالت تنظیم نه تنها فقط در سطح اهداف غایی و نهایی که اصل تنظیم به خاطر ان تشکیل یافته است چون اجماع و هماهنگی در مورد اهداف نهایی سهل و اسان می باشد،بلکه باید این هماهنگی در مورد امور مرحله ای و گذرای اساسی نیز وجود داشته باشد و حتی باید در مورد ابزار رسیدن به این اهداف نیز هماهنگی و تماسک کلی بین اعضای درون تنظیم موجود باشد.

ب:اتفاق و هماهنگی در مورد ابزار و نحوه ی حل و فصل اختلافات داخلی طبق ترتیباتی باشد که اعضا بر آن اتفاق نظر دارند به گونه ای که در بر گیرنده ی تمامی اختلافات باشد خواه این اختلافات متعلق به افکار و دیدگاه ها باشد ،یا متعلق به مسیر بوده و یا مربوط به فرماندهان باشد این اختلافات را به گونه ای نرم، حل و

---

[3] : یعنی ارتباط بین افراد تنظیم به گونه ای به هم امیخته باشد که همدیگر را در تمامی مجالات به قدرت حمایت کنند.

فصل کند که سبب جدایی و انشقاق افراد از بدنه ی تنظیم نشود، و این حل و فصل باید به گونه ای باشد که نه  سبب سخت شدن حرکت تنظیم و نه سبب انحراف تنظیم از دیدگاه هایش شود.

معیار سوم: استقلالیت

منظور از استقلالیت این است که تنظیم دارای موجودیت معنوی و شخصیتی معتبرِ جدا ومتمایز از سایر افراد و نیروهای اجتماعی باشد بگونه ای که در وجود و فعالیتش متوقف بر وجود و یا فعالیت سایر نیروها نباشد(که اگر انها نباشند این تنظیم نیز نباشد)و ابزاری در خدمت هیچ یک از نیروها نباشد بلکه باید خود را برای خدمت به اهدافی  که به خاطر ان ایجاد شده است ،فارغ و جدا سازد.

اگر گروهی اجتماعی، یا خانواده و یا قبیله ویا تجمعی یا حتی اگر طبقه ای بتواند تنظیم را در خدمت مصالح خود بکار گیرد، نمی توان ان تنظیم را مستقل وصف کرد بلکه نیروهای اجتماعی هستند که باید تحت نظر تنظیمِ مستقل برای رسیدن به اهدافش خدمت کنند و گاها این نیروها به نتایج و ثمراتی  زیر پرچم تنظیم دست می یابند ولی با این همه اهدافشان پیرو اهداف تنظیم می باشد وتابع بودن اهداف

نیروهای اجتماعی  در نتیجه ی پیشرفت تنظیم در تحقق بخشیدن به اهدافش می باشد .

واگر زمانی اهدافِ افراد و نیروهای اجتماعی تشکیل دهنده ی  تنظیم در درجه ی بالاتر از اهداف خود تنظیم و یا در رقابت با ان قرار گیرد ،قطعا تنظیم استقلالیت خود را از دست داده است.

معیار چهارم: ترکیب

و منظور از ترکیب ،افزودن به بدنه تنظیم و تنوع بخشیدن به ان و شاخه هایش می باشد و همچنین ترکیب شامل تمییز بین اجزا و وسایر واحدها و ارگانهای تنظیم می باشد  و در ضمن ان جدا کردن انها از یکدیگر از لحاظ سلسه مراتب اداری تنظیم ، از لحاظ وظایف و حتی از لحاظ جغرافیایی است که همراه با تکمیل و ایجاد توازن فیما بین انها بنحوی که بعضی از ارگانها بر بعضی دیگر تکیه کرده و بعضی را با بعضی دیگر استحکام ببخشد.

پس ترکیب به تنظیم کمک می کند تا هویتی ذاتی و درونی مستقل از اشخاص برای خود بنا کند وباعث دوامِ  استقرار و استمرار در مسیر حرکتش شود و سبب

استحکام هویت تنظیم می شود که وجود یا عدم وجود تنظیم متوقف در وجود رهبر موسس و نسل پیشرو نباشد.[٤]

گاها ترکیب تنظیمی برای رهبرانی که به استبداد و هیمنه بر تنظیم میل دارند خوشایند نیست به همین خاطر تنظیمشان را در حالتی از سادگی و عدم پیشرفته نگه می دارند تا امکان سیطره برایشان باقی بماند.ولی این گونه از فرمانده هان هرچند در کوتاه مدت قادر به بسط سیطره ی شخصیشان بر تنظیم را دارند ولی در بلند مدت تنظیم را به عنوان یک موسسه تضعیف می کنند.

معیار پنجم: گردآوری

هدف از بنای هر تنظیمی احساس نیاز به هماهنگ ساختن و یکسو کردن تلاشهای گروهی ،هدایت و یکپارچه سازی و تصحیح انها در راستای هدفی مشترک است وهمچنین ا زهدر رفتن تلاشها و یا گاها برخورد و تضاد انها با یکدیگر جلوگیری شود چرا که به سبب وارد شدن این تلاشها و نیروها در یک نقطه ی مشترک بدون هماهنگی میانشان این تلاشها بی نتیجه می مانند که باید از این بی نظمی حذر کرد.

[٤] : یعنی وجود و یاعدم وجود موسس تاثیری در تنظیم نداشته باشد.

زمانی که تنظیم بتواند اعضایش را گرداوری کند و بین تلاشهای انان هماهنگی ایجاد کند به ترتیبی که هر کدام از انها جای مناسب خود را پیدا کند بدون هیچ احساس زیانباری و یا اینکه احساس کند او را از خود دور میکنند و یا اینکه احساس کند به دوستان هم دوره ایش در امور تنظیم بیشتر از او توجه می شود ،این هماهنگی و گرداوری بین انها رخ دهد،اگر چنین باشد این مطلب را می رساند که تنظیم در مسیر صحیحی حرکت می کند ولی اگر عکس این قضیه اتفاق بیفتد و بعضی از اعضا اعتماد خود را نسبت به تنظیم به خاطر ضعف ایمان به اهداف از دست دهند ویا به محض سلب اطمینان واعتماد نسبت به فرماندهی وامیر و یا به مجرد احساس زیانباری و یا عدم بکارگیری تلاشها به نحو صحیح ، علائمی منفی است که نشان میدهد تنظیم، آرام آرام رسالت خود را از دست می دهد و تبدیل به سدی در مقابل توانایی های فردیی می شود که در سدد راهنمایی ،تحکیم وتصحیح همان توانایی ها بود.

معیار ششم :حرکت در جهت مثبت

و منظور از این معیار این است که تنظیم زمام امور را در تمام اموراتش به دست داشته باشد و با پیشرفتهای جامعه به طریقی مثبت برخورد کند و این تنها راه ورود به رشد تنظیم به صورت طبیعی بدون جهشهای غافلگیرانه ی حساب و کتاب نشده است و همچنین پایبندی به این معیار تنظیم را از در جا زدن و باقی ماندن در حاشیه جامعه حفظ می کند.

مثبت گرایی مستلزم وجود سطحی از واقع گرایی[5]است که به انسان جرات انجام کارهای خیر را می دهد هرچند به نوعی از نا امیدی هم دچار شده باشد ولی زندگی همراه شر را به خاطر تغییرش تحمل می کند بدون انکه از مردم نا امیدشده، یا سرعتی غیر منضبط و بی برنامه داشته و یا برعلیه جامعه خروج کند و هیچ جای خالی را رها نمی کند که عوامل شر ومنفی بتوانند از ان جای خالی برای قدرت یابی و نفوذ استفاده کنند الا اینکه ان را پر می کنند ،به کار پیوسته ،هرچند کم باشد و به کار مسکوت و بی سر وصدایی که موثر باشدو به حرکت تدر یجی در به دست اوردن اهداف نهایی ایمان دارد و امکان تحقق این مساله وجود ندارد الا به پیگیری و پایش عوامل قوت و ضعف در جامعه، وپیگیری جوانب پیشرفت و کوتاهی در

[5]:یعنی درک کردن محیط اطراف همانگونه که هست نه در ان خیال پردازی جایی دارد و نه بدبینی .

مسیر،و وسایل به دست اوردن انها ، تاثیر گذاری و عوامل سرعت بخش به تغییر با توجه به هر روزنه ای که باز می شود و غنیمت شمردن هر فرصتی که در پیش دارد. ولله الأمر من قبل ومن بعد

واخر دعوانا ان الحمدلله رب العالمین وصلی اللهم علی نبینا محمد و علی اله وصحبه اجمعین.